

ایران و اصل ۴ ترومن

پیروزی اتحاد جماهیر شوروی بر آلمان هیتلری و سپس پیروزی متفقین در جنگ دوم جهانی، اشاعه عقاید چپ افراطی در کشورهای اروپایی و آسیایی را در پی داشت. تبلیغات روسیه به نارضایتی‌های اجتماعی دامن می‌زد و رژیم‌های ضعیفی را که تازه از زیر بار جنگ، کمر راست کرده بودند، متزلزل می‌ساخت. خطر کمونیسم زمانی جدی‌تر شد که این نظام فکری حکومت‌های تعدادی از کشورهای شرق اروپا را تغییر داد و تا قلب این قاره پیش رفت.

کمونیسم پس از کشورهای شرقی اروپا، به فرانسه، ایتالیا، پرتغال و حتی به انگلستان نیز نفوذ کرد. این پدیده در آسیا نیز ریشه دوانده و پس از نفوذ در کشورهای خاور دور از جمله ویتنام، کامبوج، لائوس و نپال، در هندوستان و افغانستان و ایران نیز جنب و جوش زیادی به وجود آورد. این تحرك در مورد کشورهای چپ با اتحاد جماهیر شوروی مرز مشترک داشتند، گسترده‌تر بود.

گرچه فشار امریکا بر شوروی برای تخلیه ایران از دید بیشتر مورخان، نقطه شروع اعمال سیاست امریکا برای جلوگیری از گسترش کمونیسم در ایران به شمار می‌رود^۱، ولی «دکترین ترومن» آغاز سیاست برنامه‌ریزی شده امریکا برای مقابله با کمونیسم و اعمال نفوذ در مناطق مختلف جهان از جمله ایران محسوب می‌شود.

دکترین ترومن از اولین طرح‌های امریکا برای فراهم آوردن زمینه‌های سلطه بر اروپا و آسیا و از نخستین جلوه‌های جنگ سرد بود. ترومن در ۲۲ اسفند ۱۳۲۵ - يك سال پس از شروع زمامداری - طرحی ارائه کرد که به عنوان «دکترین ترومن» شالوده سیاست خارجی امریکا در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی را پی‌ریزی کرد.

او در این روز در جمع نمایندگان کنگره امریکا طی نطقی با اشاره به اوضاع بحران یونان و ترکیه که با چپگرایان مسلح درگیر بوده و از بحران اقتصادی رنج می‌بردند، به لزوم حمایت مالی از حکومت‌های این دو کشور تأکید کرد.

وی همچنین خواستار بسیج امکانات امریکا در دفاع از حکومت‌هایی شد که با گروه‌های مسلح چپ‌گرا و کمونیست درگیر بودند و تلاش کرد از این حمایت پل‌ی برای ورود به عرصه سیاسی کشورهای نیازمند ساخته و این کشورها را تحت انقیاد خود درآورد.

این سخنان زمینه ساز سیاستی شد که ترومن توانست آن را به سایر نقاط اروپا و سپس آسیا تسری دهد.

رئیس جمهور امریکا در اظهارات خود موضع امریکا را «رویارویی آزادی در برابر استبداد» وانمود کرد و موفق شد تأیید نمایندگان کنگره امریکا را برای تخصیص و ارسال ۴۰۰ میلیون دلار کمک مالی و اعزام مستشاران نظامی امریکا به این دو کشور به دست آورد. مهمترین بخش سخنان ترومن چنین بود:

«... کمک به کشورهای آزاد به منزله حفظ امنیت ایالات متحده امریکاست. برای تأمین پیشرفت مسالمت‌آمیز ملت‌های آزاد، امریکا ابتکار و مسئولیت بزرگی را در تأسیس سازمان ملل متحد به عهده گرفته است. این سازمان جهانی برای حفظ آزادی و استقلال کشورهای چپ‌گرا که عضویت آن را پذیرفته‌اند به وجود آمده است، اما باید این هدفها را با کمک به ملل آزاد در حفظ نهادهای دموکراتیک و تمامیت ارضی آنان در برابر جنبش تجاوزکاری که قصد دارد رژیم‌های خودکامه را

به آنان تحمیل کند، دنبال کنیم. اکنون مسلم شده است که رژیم‌های خودکامه را از راه تجاوز مستقیم یا غیر مستقیم به ملت‌های آزاد تحمیل می‌کنند و در نتیجه اساس صلح بین‌المللی و نیز امنیت ایالات متحده آمریکا را به خطر می‌اندازند. به عقیده من سیاست آمریکا باید مبتنی بر حمایت از ملت‌هایی باشد که در برابر اقلیت‌های مسلح داخلی و فشار خارجی مقاومت می‌کنند. ما باید به این ملت‌های آزاد کمک کنیم تا سرنوشت خود را در دست بگیرند. کمک ما باید به صورت اقتصادی و مالی باشد که برای ایجاد ثبات و تحولات عادی سیاسی ضروری است.

امروزه موجودیت یونان در نتیجه فعالیت‌های تروریستی هزاران نفر افراد مسلح که از سوی کمونیست‌ها رهبری می‌شوند و در بسیاری از نقاط بخصوص در امتداد مرزهای شمالی آن کشور زیر بار اقتدار دولت نمی‌روند در معرض خطر افتاده است... آینده ترکیه نیز به عنوان یک کشور مستقل و سالم از نظر اقتصادی در نظر مردمان عاشق آزادی سراسر جهان کم اهمیت‌تر از آینده یونان نیست. یکی از اهداف اولیه سیاست خارجی ایالات متحده ایجاد شرایطی است که در آن ما و سایر ملل قادر باشیم برای ایجاد یک شیوه زندگی فارغ از زور و فشار کار و فعالیت کنیم.

اخیراً اهالی تعدادی از کشورهای جهان گرفتار رژیم‌های استبدادی شده‌اند که به رغم میل و اراده‌شان به آنان تحمیل شده است. دولت ایالات متحده اعتراضات مکرری علیه زور و فشار در لهستان و رومانی و بلغارستان که با نقض موافقتنامه‌های یالتا صورت گرفته به عمل آورده است... اگر ما در این ساعات سرنوشت‌ساز در کمک به یونان و ترکیه قصور بورزیم، اثرات آن در غرب و همچنین در شرق بسیار گسترده خواهد بود. ما باید دست به اقدام فوری و قطعی بزنیم. ۲...»

به دنبال این اظهارات دولت آمریکا ابتدا در ۱۵ خرداد ۱۳۲۶ «طرح مارشال»^۳ را ارائه کرد و سپس در ۳۰ دی ۱۳۲۷ ترومن در پیام خود به کنگره، ضمن اعلام اصول گوناگونی در سیاست اقتصادی خود، اصل ۴ آن را به اعطای کمک‌های فنی به کشورهای عقب مانده جهان سوم اختصاص داد. اصل چهارم از اصولی که ترومن در تبیین رویکردهای اقتصادی آمریکا اعلام کرد از مهمترین اصول سیاست خارجی این کشور برای وابسته کردن سیستم اقتصادی کشورها طی سال‌های پس از جنگ دوم جهانی است. این اصل مزبور چنین است:

«ما با یک برنامه شجاعانه برای اینکه پیشرفتهای علمی و صنعتی خود را در اختیار مناطق عقب مانده جهان قرار بدهیم این دوره را آغاز می‌کنیم تا مناطق مزبور به سهم خود به پیشرفت نایل گردند. به عقیده من، ما می‌توانیم ملت‌های صلح دوست را از علوم و فنون خود برخوردار سازیم تا بتوانند به میل خود به زندگی بهتری دست یابند. با چنین همکاری با ملت‌های دیگر می‌توانیم سرمایه‌گذاری در مناطقی را که فاقد پیشرفت هستند گسترش دهیم»^۴.

ترومن در سوم تیر ۱۳۲۸ لایحه مربوط به کمک‌های اصل ۴ را به کنگره تسلیم کرد و تقاضای ۴۵ میلیون دلار اعتبار نمود که البته با ۳۵ میلیون دلار آن موافقت شد.

«اصل ۴ ترومن» در شرایطی مطرح شد که «هاری ترومن» رئیس‌جمهور آمریکا موفق شده بود پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را به وجود آورد و با وارد کردن ترکیه و یونان به جمع اعضای این پیمان، امنیت مدیترانه شرقی را نیز به ناتو گره بزند و آن را به تدریج به امنیت خاورمیانه پیوند دهد. از این تاریخ به بعد تمامی کمک‌های اقتصادی و سیاسی آمریکا به کشورهای خاورمیانه از جمله ایران در چهارچوب اصل ۴ ترومن پرداخت شد.

در پائیز ۱۳۲۷ دولت ایران قراردادی با آمریکا امضا کرد که براساس آن آمریکا با اعزام يك هیأت تحقیق، نیازهای اقتصادی ایران را ارزیابی کند. کارشناسان آمریکایی پس از ۴ ماه تحقیق به این نتیجه رسیدند که تخصیص يك وام ۲۵۰ میلیون دلاری از بانک صادرات و واردات آمریکا می‌تواند برنامه هفت ساله عمرانی ایران را تأمین نماید. در ایران تبلیغات فراوانی از سوی دولت «ساعده» به نفع اعطای این وام صورت گرفت و سفر شاه به آمریکا در آبان ۱۳۲۸ نیز بیشتر به منظور راضی کردن آمریکایی‌ها به پرداخت این وام بود. البته شاه از این سفر دست خالی بازگشت و پرداخت این وام به بهانه ناتوانی ایران در بازپرداخت به موقع آن موکول به امضای قرارداد جداگانه‌ای میان دو کشور راجع به مقررات اصل ۴ گردید. این قرارداد در ۲۷ مهر ۱۳۲۹ میان رزم‌آرا نخست وزیر و دکتر هنری گریدی - سفیر آمریکا در تهران - به امضا رسید.

در پی امضای این قرارداد هیأت‌های کارشناسی بیشتری برای بررسی اوضاع اقتصادی ایران از طرف آمریکا به تهران آمدند و اقدامات خود را در پی این سفرها و در چارچوب اصل ۴ ترومن در ایران آغاز کردند.

تشویق دولت ایران به انعقاد معاهدات نفتی با سه شرکت «آمریکایی موریسون نادسن، استاندارد اویل و اورسیز کانسلانت»، استخدام و اعزام مستشاران اقتصادی آمریکا برای کار در تولیدات صنایع و معادن، ساختمان، راه‌ها، ارتباطات، راه آهن، کشاورزی، برق، آبیاری و امور مالی ایران و همچنین افزایش واردات کالاهای آمریکایی به ایران، از جمله نتایج انعقاد پیمان گسترش عملیات «اصل ۴ ترومن» در ایران بود.

در نتیجه انعقاد این پیمان، حجم صادرات آمریکا به ایران به ۲۰ برابر صادرات ایران به آمریکا رسید، این در حالی بود که بسیاری از کالاهای صادراتی آن کشور به ایران جزء مواردی بود که نمونه آن در ایران نیز تولید می‌شد. ورود این کالاها بسیاری از کارگاه‌های ایران را با ورشکستگی و بحران روبرو کرد و سبب ترویج بیکاری، بحران مالی و فقر در کشور شد. ۶ این در حالی بود که آمریکایی‌ها به ویژه در سال‌های دهه ۱۳۳۰، بخش اعظم کمک‌های خود را به ایران منوط به رضایت انگلیسی‌ها کرده و خسارات بریتانیا در نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران را نیز همواره در نظر می‌گرفتند.

در حقیقت اصل ۴ ترومن، اگر چه در تبلیغات آمریکایی‌ها راهکاری برای کمک به کشورهای عقب مانده به شمار می‌آمد، اما در عمل چیزی جز پوششی عوامفریبانه برای چنگ انداختن بر ثروتها و منابع ملل عقب مانده نبود.

پی‌نویس:

۱. اولتیماتوم ترومن به استالین در فروردین ۱۳۲۵ برای تخلیه ایران، نقطه عطف فشار آمریکایی‌ها بر روسها برای واداشتن آنان به تخلیه ایران محسوب می‌شود.

۲. تاریخ جنگ سرد؛ آندره فوتن؛ ج ۱؛ صص ۳۷۳ و ۳۷۴.

۳. جورج مارشال وزیر خارجه آمریکا در کابینه ترومن در خرداد ۱۳۲۶ طرحی برای نفوذ در کشورهای اروپایی ارائه کرد که بعدها به عنوان «طرح مارشال» معروف شد. این طرح متضمن کمک‌های اقتصادی آمریکا به کشورهای اروپایی خسارت دیده از جنگ دوم جهانی بود. آمریکا در ازاء اعطای هر يك از کمکها، امتیازات مورد نظر خود را که فلسفه ارائه

طرح مارشال بود از دولتهای اروپایی کسب کرد. طرح مارشال و دکترین ترومن که به فاصله ۳ ماه از یکدیگر ارائه شد، زمینه‌ساز اتحاد دولتهای غرب اروپا در زیر چتر سیاسی و نظامی امریکا بود. مارشال در ۲۴ مهر ۱۳۲۸ درگذشت.

۴. سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی؛ عبدالرضا هوشنگ مهدوی؛ ۱۳۷۳، ص ۱۴۶.

۵. تاریخ ایران از باستان تا امروز؛ انتشارات پویش؛ چاپ ۱۳۵۹؛ صص ۵۱۲ و ۵۱۳.

۶. تاریخ ایران، همان.

۷. امضای مقررات اصل ۴ ترومن در ایران، ۵ ماه قبل از ملی شدن صنعت نفت صورت گرفت.